

بسم الله الرحمن الرحيم

خلافت راشده و دولت‌نماها

(ترجمه)

هماهنگی عمومی پناهندگان و آوارگان در دارفور سودان از کشته شدن 168 تن و زخم برداشتن 98 نفر دیگر، بر علاوه تعداد زیادی از مفقودین که تا هنوز اطلاعی از آن‌ها در دسترس نیست، بر اثر جنگ قومی در شهر کرینک در غرب کشور، خبر داد. آدم رجال، سخنگوی رسمی هماهنگی عمومی پناهندگان و آوارگان دارفور گفت: «این اعمال خشونت‌آمیز روز جمعه در هشتاد کیلومتری جنبه، پایتخت دارفور غربی آغاز شد؛ جایی که هشت نفر کشته شدند.»

اولین برخوردها در اوایل ماه اکتبر به وقوع پیوست، سپس آن منطقه شاهد دو دوره درگیری‌های خونین بود، که اولی در 2021/11/17م، بدلیل اختلاف میان شترداران منطقه جبل مون رخ داد؛ سپس موج دوم درگیری‌ها در اوایل دسامبر 2021م در منطقه کرینک به راه افتاد، که 35 نفر در ماه نوامبر جان خود را از دست داد و 16 روستا در اثر درگیری‌های قبیله‌ای که بخاطر مواسی به وقوع پیوسته بود، در آتش سوخت. اما در ماه دسامبر حد اقل 199 نفر جان خود را از دست دادند، طبق گفته دکتران از مقامات وقت خرطوم خواسته اند، از خونریزی مداوم در این منطقه که دسترسی سازمان‌های انسانی به آن دشوار است، جلوگیری نمایند.

مشخص است؛ منطقه‌ای که اسلحه در آن پخش می‌شود و آتش جنگ دم به دم به سبب اختلاف میان زارعین و چوپان‌ها زبانه می‌کشد، همچنین بخاطر نبود هیبت دولت، در آشوب شدید قرار گرفته که ابوهاجه، نخست‌وزیر البرهان آن را "وضعیت بی‌دولتی" می‌خواند؛ گویی این وضعیت در سودان نورمال است. حاکم دارفور منی، ارکو مناوی تصریح داشت و گفت؛ اهالی منطقه با پرداخت پول زندگی می‌کنند. گویی امنیت برای خرید و فروش است و اشاره نمود که "در اینجا هرج و مرج شدید جریان دارد. در ولایت دافور وسایل امنیتی وجود دارد؛ زیرا اخذ جواز در آن وجود ندارد و اولویت‌ها دیگری دارند.

این هرج و مرج و وضعیت بی‌دولتی باعث شده که برخی قدرت‌های سیاسی از آن برای قرار دادن سودان تحت بند هفتم عهدنامه سازمان ملل سوء استفاده کنند. بیانیه ارتش آزادی‌بخش سودان در 24 اپریل 2022م از شورای امنیت، سازمان ملل و اتحادیه افریقا خواستند با اعزام نیرو طبق فصل هفتم عهدنامه سازمان ملل، تصمیمات جدی برای حمایت از آوارگان بگیرند؛ همانطور که از محکمه جنایی بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی حقوق‌بشر خواسته اند که وضعیت امنیتی سودان را پی‌گیری نمایند. به ویژه در شرایطی که نظام سودان در ضعیف‌ترین شرایط خود بسر می‌برد. از زمان انقلاب البرهان در اکتبر گذشته، با وجود برخورداری از تمام ویژگی‌های یک قدرت نمونه در «اقتصاد و ارتش» تا اکنون موفق به تشکیل دولت نشده اند. این واقعیت بخاطر عدم موجودیت دولت و اقتداری است که مسئولیت خود در قبال رعیت را عهده‌دار شود و بیانگر عدم شناخت دولت و اقتدار واقعی در اذهان حاکم‌نماها می‌باشد، زیرا دولت با ایجاد افکار جدیدی نشأت می‌یابد که به آن بپردازد و اقتدار در آن با تحول این افکار متحول می‌شود و اقتدار محافظ مصالح امت و زیر نظر گرفتن خط سیر آن است. بناءً اگر این افکار مبتنی بر عقیده ای باشند که از آن نظام تولید می‌گردد، دولتی با بنیان قوی، ستون‌هایی مستحکم و نهادی ثابت تشکیل خواهد شد و این همان چیزی است که کشورهای شش ابرقدرت که غرب استعمارگر پس از سقوط خلافت ساخته، ندارند.

این اتفاقات چیزی را تأکید می‌کند که مجالی برای شک نمی‌گذارد و حکومت و جنبش‌ها مسلح به ایجاد این وضعیت اتفاق دارند و اجازه می‌دهند که هرج و مرج ادامه یابد. این سناریو را سفارت‌های خارجی و سازمان‌های استعماری دامن می‌زنند که دولت را به آغوش غرب استعمارگر انداخته باعث عدم ناکامی آن در حفظ اتحاد کشور و دستیابی به امنیت می‌شود. بناءً دولت از هدایات الله سبحانه و تعالی دور می‌شود، واضح و میرهن است که دلیل این کشمکش‌ها و تلفات عدم برپایی احکام اسلام است که از خونریزی جلوگیری می‌کند و همدلی آورده باعث اتحاد می‌شود، صرف نظر از رنگ قبیله یا طرف، الله تعالی فرموده:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ) [حجرات: 13]

ترجمه: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را شناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرمی‌ترین شما نزد الله با تقواترین شماست؛ الله دانا و آگاه است!

بنابراین، هیچ راهی جز برپایی حکم اسلام از طریق دولت خلافت راشدیه بر منبج نبوت وجود ندارد و تنها راه خلاصی و نجات همین است. تاریخ خلافت مملو از اتفاقاتی است که دولت‌مردان پرهیزگاری را معرفی می‌کند که تمام توجه‌شان مصالح امت‌شان، و بردن بشریت از گمراهی به نور و عدل اسلام بوده است؛ چنانچه وقتی سلطان مراد ثانی شهر سلانیک را در سال 1431م فتح کرد و تفنگ‌داران را شکست سنگینی داد و پیروزمند وارد شهر شد، یکی از نگهبانان به او گفت که هیأتی از شهر یانیا آمده اند و می‌خواهند بخاطر مسأله مهمی با او ملاقات نمایند. در آن زمان شهر یانیا تحت حاکمیت خانواده توکو ایتالیا بود و زمانی که مارکو توکو اول در سال 1430م وفات کرد، برادرزاده‌اش کارلوتوکو دوم زمام امور را در اختیار گرفت، اما فرزندان غیرمشروع توکو اول، برای گرفتن قدر، قیام نمودند. در نتیجه دوره‌ای از آشوب، هرج و مرج و جنگ آغاز شد که باعث کشته شدن مردم گردید. بناً وقتی شنیدند سلطان مراد دوم در نزدیکی آن‌ها در شهر سلانیک است، تصمیم گرفتند نمایندگان خود را بفرستند. سلطان مراد دوم به رئیس نگهبانان خود دستور داد که به نمایندگان اجازه دهد وارد شوند؛ سپس توسط ترجمان به رئیس نمایندگان گفت: خوش آمدید، چه چیزی شما را به این‌جا کشانده؟ و چه می‌خواهید؟

رئیس گروه گفت: ای پادشاه بزرگ، آمده‌ایم از شما کمک بخواهیم، ما را ناامید مساز.

- چطور می‌توانم با شما کمک کنم؟
- سرورم، امیران‌مان بر ما ظلم می‌کنند و ما را مانند بردگان به خدمت گرفته، اموال‌مان را غصب می‌کنند و سپس ما را به جنگ می‌برند.
- چه کاری می‌توانم برای‌تان انجام دهم؟ این مشکلی در میان شما و امیران‌تان است.
- ای پادشاه، ما مسلمان نیستیم؛ بلکه بر دین مسیح هستیم، اما از عدالت مسلمانان بسیار شنیده ایم، و این‌که بر رعیت ظلم نمی‌کنند و کسی را مجبور به پذیرش دین‌شان نمی‌سازند و هر صاحب حقی در نزد آنان حق خودش را دارد. ما این را از سیاحان و تاجرهایی شنیده ایم که مملکت‌شان را دیده اند، از این رو، امیدواریم ما را مشمول رعایت و مهربانی خود بگردانید و بر سرزمین‌مان حکم فرما شوید تا از دست حکام ظالم خود نجات یابیم.

سپس کلید طلایی شهر را به او تقدیم کردند و سلطان، خواسته مردم شهر یانیا را پذیرفت و یکی از فرماندهان خود را در رأس یک لشکر به سوی آن شهر فرستاد و طبق معمول آن شهر را فتح نمودند و عدل و انصاف را در آن شهر فراگیر ساخته و زندگی خوب و آرامی ایجاد کردند. این چیزی است که در گذشته وجود داشت و با اذن الله سبحانه و تعالی به زودی با تأسیس خلافت راشدیه دوم، بر منبج نبوت نزدیک خواهد بود:

(إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (1) وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (2) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَعِذْ بِهِ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا) [تصر: 1-3]

ترجمه: چون یاری الله و پیروزی فرا رسد، و ببینی که مردم دسته‌دسته در دین الله درآیند. پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه که وی همواره توبه‌پذیر است.

نویسنده: استاد ابراهیم مشرف

مترجم: طه خالد